

هَزْ شَبْ
بَا خِیَالَت
بِرُو بیایی
دارم

محبوبه بوری
مجموعه کاریکلماتور

چاپ دوم - ۱۴۰۳

سرشناسه : بوری، محبوبه، ۱۳۵۰-
 عنوان و نام بدیداور : هر شب با خیالت پرو بیایی دارم/ مولف محبوبه بوری ؛
 گرافیکست رضا غفاری.
 مشخصات نشر : اصفهان : ناران ، ۱۴۰۲
 مشخصات ظاهری : [۸۶] ص
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۷۸۵-۲-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : کاریکلماتور-- ایران
 کاریکلماتور
 *Cariclamature--Iran
 شناسه افزوده : غفاری، رضا، ۱۳۷۰- ، گرافیکست
 رده بندی کنگره : PN۶۰۹۵
 رده بندی دیویی : ۸۰۸/۸۸۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۲۶۸۴۶
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

www.ketab.ir

هر شب با خیالت برو بیایی دارم
 مؤلف: محبوبه بوری
 امور فنی و پشتیبانی: اصغر رضایی گماری
 طرح گرافیک: رضا غفاری
 ناشر: انتشارات ناران
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۷۸۵-۲-۵
 نوبت چاپ: دوم- ۱۴۰۳
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 قیمت: ۹۵۰۰۰۰ ریال
 آدرس: اصفهان، خیابان آبادانا اول، کوچه باغ توت،
 کوچه باغ کاج، کوچه هاشم زاده
 تماس: ۰۹۱۳۲۰۱۸۰۸۹، پیام رسان: ۰۹۳۶۹۴۵۹۱۲۴
 Nashrnaran: اینستاگرام
 Naranpub.ir: سایت



گفتگوی کوتاه در مورد ادبیات و کاریکلماتور با محبوبه بوری



محبوبه بوری برای نویسندگان و بخصوص خوانندگان کاریکلماتور با توجه به آثار و کتاب‌های چاپ شده، نام بسیار شناخته شده و جافتاده‌ای است. نویسنده‌ای که از داستان شروع کرد و با روی آوردن به آثار کوتاه و کوتاه‌نویسی و طبع طنز و اندیشه‌ی عالی و شناخت آدم‌ها و اتفاقات زندگی، حرف‌هایش بسیار شنیدنی و خواندنی هستند و...

خانم بوری پس از سال‌ها نوشتن، نخستین کتاب کاریکلماتور خود را در سال ۱۴۰۱ هجری شمسی با نام «نبودنت، بودنم را بلعید» به چاپ رساند که با استقبال خوب از طرف مخاطبین روبه‌رو شد و در طی زمان کوتاهی در سراسر کشور پخش شد و یکی از پُرفروش‌ترین کتاب‌های کاریکلماتور لقب گرفت.

✱ در ابتدا تعریف خودتان را از کاریکلماتور بفرمایید؟

«کاریکلماتور نوعی از شوخ طبعی است که دکتر سیروس شمیسا در کتاب "انواع ادبی" از آن به عنوان یک نوع جدید ادبی یاد می کند. جملاتی کوتاه که گاهی به جمله ی قصار می ماند، گاهی به شعر پهلوی می زند و شاید بتواند تبدیل به ضرب المثل شود. این گونه ی ادبی را زنده یاد پرویز شاپور بنیان نهاد و عنوان کاریکلماتور را شاملو از سرهم کردن کاریکاتور و کلمات بر آن گذاشت و به قول زنده یاد عمران صلاحی، کاریکاتوری است که با کلمات نوشته می شود.

در خرداد ماه سال ۱۳۴۶ هجری شمسی، شاپور نوشته های کوتاهش را به شاملو داد و او هم نام کاریکلماتور را روی آن گذاشت. ناصر فیض جایی نوشته است که کاریکلماتور یعنی کاری بکنیم که کلمه ها به تور بیفتند. آنچه مسلم است کاریکاتور، کلماتی هستند که معمولاً نگاهی طنزآمیز، فکاهی و فلسفی به موضوعات مختلف دارند.

اولین ویژگی ظاهری کاریکلماتور، کوتاهی این نوع ادبی است. دومین ویژگی بارز و مهم کاریکلماتور، تفاوت در نگاه و پختگی بیان در زمانی کوتاه است. در کاریکلماتور باید دنیا را متفاوت دید و دنیایی متفاوت آفرید. کاریکلماتور یست به دور اتفاقات روزمره، خط می کشد و باید با قواعد کادر کشیدن، آشنا باشد. کاریکلماتور مثل اشانتیونی از یک عطر معروف است.

در نوشتن کاریکلماتور معمولاً ترکیبی از آرایه های ادبی نظیر بازی با کلمات، کنایه، ایهام، انسان گونه گی، احاله به محال، تمثیل، حسن تعلیل و دلیل عکس، مراعات النظیر، تضاد، پارادوکس و تلمیح به کار می رود و در مجموع یک کاریکلماتور خوب باید:

۱- ما را به وجد بیاورد.

۲- به فکر وادار کند.

۳- دوست داشته باشیم آن را بیان کنیم و از بر داشته باشیم.

جوشش و دست یافتن به سوژه های ناب در کاریکلماتور، موضوع



بسیار مهمی است که دست یافتن به آن، هنر خاصی می‌طلبد. و نکته‌ی مهمی که باید در کاریکلماتور امروزه دنبال آن باشیم، تفکر است که نیاز مهم و اساسی جامعه است.»

* نحوه‌ی آشنایی و شروع نوشتن خودتان را در این قالب ادبی، همراه با اولین اثری که نوشتید، برایمان بگویید؟

«من از دوران دبیرستان جملات کوتاهی می‌نوشتم که در بیشتر موارد مورد استقبال قرار می‌گرفت. برخی از این جملات کوتاه در کتاب "تبودنت، بودنم را بلعید" حاصل نوشته‌های آن زمان است که با کمی دست‌کاری به کاریکلماتور تبدیل شدند. دوران تحصیل در دانشگاه، اوقات فراغتم را با مطالعه‌ی جملات کوتاه ادبی در گوگل پُر می‌کردم که از همین طریق با این سبک نوشتاری آشنا شدم و بعد با مطالعه‌ی بسیار زیاد در این‌گونه‌ی ادبی و... توانستم با تعداد خودم را در آن کشف کنم و در این راه قلم بزنم. اولین بار کاریکلماتورهایم در چاپ دوم کتاب "کودتا با لبخند" ثبت شد و آشنایی من با کاریکلماتوریست‌های کشور، با واسطه‌ی این کتاب میسر شد. اولین جمله‌ی کوتاهی که به دل خود من نشست و در سال اول دبیرستان نوشتم این بود که "اشک‌هایم بر مهر فرو ریخت، بوی خاک باران خورده، به حالم آورد." و یک جمله‌ی دلنوشته‌ی کوتاهی که مورد توجه یکی از معلم‌هایم در همان سال‌های دبیرستان قرار گرفت، این بود که "بهار آمد، موسی تقی‌ها دیگر دلهره ندارند و می‌توانند فریاد بزنند و از موسی نشان تقی را بخواهند."

در مجموع از کوتاه‌نویسی چه در قالب داستان، چه جملات کوتاه و شعر و... لذت می‌برم. کتاب "تبودنت، بودنم را بلعید" اولین اثری بود که در زمینه‌ی کاریکلماتور در قالب هزار نسخه در دی ماه ۱۴۰۱ هجری شمسی به چاپ رسید و در مدت زمان کوتاهی نایاب شد و هم‌اکنون چاپ دوم آن را پیگیری می‌کنم.»



* در مورد سابقه‌ی ادبی و چاپ و انتشار آثارتان در مطبوعات برایمان بگویید تا مخاطبین بیشتر با سابقه‌ی کار شما آشنا شوند؟

«کار در مطبوعات را از اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ هجری شمسی به‌عنوان خبرنگار و نویسنده با روزنامه‌ی وزین قدس آغاز کردم و در دوران فعالیت ادبی‌ام، موفق به چاپ شش جلد کتاب در زمینه‌ی ادبیات شدم. دو کتاب "یا ضامن آهو" و "بوی گل محمدی" که هر کدام شامل هشت داستان کوتاه درباره‌ی قصه‌های حرم مطهر امام رضا (ع) هستند. "تجوا با محسن" شامل هشت داستان کوتاه در مورد شهدای عزیز و خانواده‌ی معظم آنها و کتاب "بلوک سیمانی" مجموعه‌ی سی و هشت داستان کوتاه اجتماعی می‌باشند که تمام این داستان‌ها در طی چندین سال در روزنامه قدس و سایر نشریات چاپ شده‌اند. کتاب "تبودنت، بودنم را بلعید" مجموعه‌ای متشکل از صد و نود و هفت کاریکلماتور می‌باشد و کتاب "یادت همیشه می‌آید" مجموعه‌ی دهنوشته و کاریکلماتور است که هر دو کتاب اخیر در زمستان ۱۴۰۱ هجری شمسی چاپ شده‌اند.»



* به‌نظر شما چرا امروزه قالب کاریکلماتور مورد استقبال جامع ادبی قرار گرفته‌است؟

«از خصوصیات زیبای این قالب، ایجاز و خلاصه‌گویی بی‌نظیرش است. این روزها مردم در سراسر جهان به هر چیز خلاصه شده و کوتاه شده‌ای روی آورده‌اند. آنها غذاهایی را که سریع آماده می‌شوند و نیز خانه‌هایی را انتخاب می‌کنند که حداقل فضاها را برای انواع نیازها تأمین کنند و دیگر از سراسراها و هشتی‌ها خبری نیست. داستان‌های کوتاه را به رمان‌های چند جلدی ترجیح می‌دهند. در کاریکلماتور نیز این اتفاق می‌افتد که هیچ شاخ و برگ اضافی ندارد. ببینید برای انسان‌های امروزی که در این سراسیمگی سرعت، کم‌حوصلگی و تنوع محصورند و کم‌طاقت و پُرمشغله هستند و از هر چیزی نوع فشرده‌اش را می‌پسندند،

طبیعی است جملات این چنین زیبا و دلنوازی که مصداق جمله‌ی نظامی بزرگ؛

کم گوی و گزیده گوی چون دُر کز اندک تو جهان شود پُر
هم می‌باشد، جایگاه خوبی در جوامع مختلف بخصوص جوامع ادبی پیدا کرده‌اند، می‌کنند و خواهند کرد.»

* آیا پس از این همه نوشتن، قالب کاریکلماتور توانسته است باعث تغییر نگاه مردم به طنز شود؟

«مردم کمتر با این گونه‌ی ادبی آشنا هستند، حتی در مواردی کتابداران عزیز با کاریکلماتور آشنایی کمتری دارند. در مواردی ناشران گرمی به استثنای معدودی از آنها با این گونه آشنایی مطلوبی ندارند. گرچه خوشبختانه اقدامات خوبی در زمینه‌ی شناساندن کاریکلماتور صورت گرفته، اما این اقدامات کافی نیست و تلاش بیشتری در این زمینه باید وجود داشته باشد. به نظر من باید دید آیا در این زمینه نگاهی وجود دارد، بعد در پی این بود که کاریکلماتور توانایی تغییر نگاه را داشته یا دارد.»



* باتوجه به این همه مشغله و دغدغه‌ی کاری در بیمارستان و دانشگاه، چگونه به نوشتن و آن هم کاریکلماتور می‌پردازید؟
«درمورد این سؤال فقط می‌توانم اشاره به لطف بی‌پایان خداوند و برکتی که ازسوی این منبع نامتناهی به من داده شده، داشته باشم. علاوه بر آن مدیریت زمان کمک بسیار زیادی در این رابطه به من کرده است که باوجود مشغله‌ی بسیار زیاد کاری و زندگی، توانسته‌ام هنوز به فعالیت‌های ادبی در قالب‌های داستان، شعر و کاریکلماتور بپردازم و البته باید جذابیت و ویژگی خوب این قالب را هم در نوشتن و ادامه دادن، اضافه کرد.»

* آرزو و هدف شما در این قالب ادبی چیست؟
«آرزو دارم که این قالب شناخته شده‌تر بشود و هدفم شناساندن هرچه بیشتر کاریکلماتور به مردم و جوامع مختلف است، اما به قولی "یک دست کمتر صدا داره" و اگر تمام کاریکلماتوریست‌های محترم در حین فعالیت ادبی‌شان در این سبک، اقدام به شناساندن آن به جوامع مختلف ادبی و مردم بکنند، بی‌شک این قالب ادبی شناخته شده‌تر خواهد شد.»

* پیشنهادات شما به نویسندگان به‌ویژه جوانانی که می‌خواهند وارد دنیای نویسندگی به‌ویژه نوشتن کاریکلماتور شوند، چیست؟
پیشنهاد من به تمام افرادی که استعدادی در نوشتن دارند، این است که بخوانند و بنویسند و از نیروی قوی مدیریت زمان نهایت استفاده را ببرند.»

* در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمایید؟
«موفقیت شما و مردم عزیز کشورم، آرزوی قلبی من است.»

